



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق یقیناً

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



پرتوی از
سیره و سیمای
پیامبر (ص)

محمد علی گوشا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرتوی از سیره و سیمای محمد صلی الله علیه و آله

نویسنده:

محمد علی کوشا

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	پرتوی از سیره و سیمای محمد
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۸	اخلاق و سیره پیامبر اکرم
۱۲	صفات و ویژگیهای پیامبر اکرم
۱۴	تلاش برای تحقق انسانیت
۱۴	اخلاق فرماندهی رسول اکرم
۱۶	نظافت
۱۷	آداب معاشرت
۱۸	بخشایش و گذشت
۱۹	حریم قانون
۲۰	احترام به افکار عمومی
۲۵	پاورقی
۲۷	درباره مرکز

نوع: مقاله

پدیدآور: کوشا، محمدعلی

عنوان و شرح مسئولیت: پرتوی از سیره و سیمای محمد [منبع الکترونیکی] / محمدعلی کوشا

ناشر: محمدعلی کوشا

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۱۰ بایگانی: ۴۶.۵KB)

موضوع: محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق.

مقدمه

حضرت محمد (ص) فرزند عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف، در مکه به دنیا آمد. پیش از ولادت، پدرش عبدالله در گذشته بود، محمد (ص) شش سال داشت که مادرش آمنه را نیز از دست داد. او تا هشت سالگی زیر سرپرستی جدش عبدالمطلب بود و پس از مرگ جدش در خانه عمویش ابوطالب سکنا گزید. رفتار و کردار او در خانه ابوطالب، نظر همگان را به سوی خود جلب کرد و دیری نگذشت که مهرش در دلها جای گرفت. او برخلاف کودکان همسالش که موهایی ژولیده و چشمانی آلوده داشتند، مانند بزرگسالان موهایش رامرتب می کرد و سر و صورت خود را تمیز نگه می داشت. او به چیزهای خوراکی هرگز حری نبود، کودکان همسالش، چنان که رسم اطفال است، با دستپاچگی و شتابزدگی غذا می خوردند و گاهی لقمه از دست یکدیگر می ربودند، ولی او به غذای اندک اکتفا و از حرص و رزی در غذا خودداری می کرد. در همه احوال، متانت بیش از حد سن و سال خویش از خود نشان می داد. بعضی روزها همین که از خواب بر می خاست، به سر چاه زمزم می رفت و از آب آن جرعه ای چند می نوشید و چون به وقت چاشت به صرف غذای دعوتش می نمودند می گفت: احساس گرسنگی نمی کنم. او نه در کودکی و نه در بزرگسالی، هیچ

گاه از گرسنگی و تشنگی سخن به زبان نمی‌آورد. عموی مهربانش ابوطالب او را همیشه در کنار بستر خود می‌خوابانید. همو گوید: من هرگز کلمه‌ای دروغ از او نشنیدم و کار ناشایسته و خنده بیجا از او ندیدم. او به بازیچه‌های کودکان رغبت نمی‌کرد و گوشه‌گیری و تنهایی را دوست می‌داشت و در همه حال متواضع بود. [۱] آن حضرت در سیزده سالگی، ابوطالب را در سفر شام، همراهی کرد، در همین سفر بود که شخصیت عظمت، بزرگواری و امانتداری خود را نشان داد. بیست و پنج سال داشت که با خدیجه دختر خویلد ازواج کرد، محمد (ص) در میان مردم مکه به امانتداری و صداقت مشهور گشت تا آنجا که همه، او را محمد امین می‌خواندند. در همین سن و سال بود که با نصب حجرالاسود و جلوگیری از فتنه و آشوب قبایلی، کاردانی و تدبیر خویش را ثابت کرد و با شرکت در انجمن جوانمردان مکه (حلف الفضول) انساندوستی خود را به اثبات رساند. پاکی و درستکاری و پرهیز از شرک و بت پرستی و بی‌اعتنایی به مظاهر دنیوی و اندیشیدن در نظام آفرینش، او را کاملاً از دیگران متمایز ساخته بود. آن حضرت در چهل سالگی به پیامبری برانگیخته شد و دعوتش تا سه سال مخفیانه بود. پس از این مدت، به حکم آیه «وانذر عشیرتک الاقربین»؛ [۲] یعنی: «خویشاوندان نزدیک خود را هشدار ده»، رسالت خویش را آشکار ساخت و از بستگان خود آغاز کرد و سپس دعوت به توحید و پرهیز از شرک و بت پرستی را به گوش مردم رساند.

از همین

جا بود که سران قریش، مخالفت با او را آغاز کردند و به آزار آن حضرت پرداختند، حضرت محمد (ص) در مدت سیزده سال در مکه، با همه آزارها و شکنجه های سرمایه داران مشرک مکه و همدستان آنان، مقاومت کرد و از مواضع الهی خویش هرگز عقب نشینی نمود. پس از سیزده سال تبلیغ در مکه، ناچار به هجرت شد. پس از هجرت به مدینه زمینه نسبتاً مناسبی برای تبلیغ اسلام فراهم شد، هر چند که در طی این ده سال نیز کفار، مشرکان، منافقان و قبایل یهود، مزاحمت های بسیاری برای او ایجاد کردند. در سال دهم هجرت، پس از انجام مراسم حج و ترک مکه و ابلاغ امامت علی بن ابی طالب (ع) در غدیر خم و اتمام رسالت بزرگ خویش، در بیست و هشت صفر سال یازدهم هجری رحلت فرمود.

اخلاق و سیره پیامبر اکرم

رسول اکرم (ص) کاملترین انسان و بزرگ و سالار تمام پیامبران است. در عظمت آن حضرت همین بس که خداوند متعال در قرآن مجید او را با تعبیر «یا ایها الرسول» و «یا ایها النبی» مورد خطاب قرار می دهد و او را به عنوان انسانی الگو برای تمام جهانیان معرفی می نماید: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه»؛ [۳] در (سیره و سخن) پیامبر خدا برای شما الگوی نیکویی است. او به حق دارای اخلاقی کامل و جامع تمام فضایل و کمالات انسانی بود. خدایش او را چنین می ستاید: «انک لعلی خلق عظیم»؛ [۴] «ای پیامبر تو دارای بهترین اخلاق هستی.» «و لو کنت فظاً غلیظ القلب لانفضوا من حولک»؛ [۵] «اگر تند خو و سخت دل می بودی مردم

از اطراف پراکنده می شدند.» از این رو، یکی از مهمترین عوامل پیشرفت اسلام، اخلاق نیکو و برخورد متین و ملایم آن حضرت با مردم بود. در طول زندگانی او هرگز دیده نشد و قتش را به بطالت بگذراند. در مقام نیایش همیشه می گفت: «خدایا از بیکارگی و تنبلی و زبونی به تو پناه می برم.» و مسلمانان را به کار کردن تحریض می نمود. او همیشه جانب عدل و انصاف را رعایت می کرد و در تجارت به دروغ و تدلیس متوسل نمی شد و هیچگاه در معامله سخت گیری نمی کرد و با کسی مجادله و لجاجت نمی نمود و کار خود را به گردن دیگری نمی انداخت. او صدق گفتار و ادای امانت را قوام زندگی می دانست و می فرمود: این دو در همه تعالیم پیغمبران تاکید و تایید شده است در نظر او همه افراد جامعه، موظف به مقاومت در برابر ستمکاران هستند و نباید نقش تماشاگر داشته باشند. می فرمود: برادرت را چه ظالم باشد و چه مظلوم، یاری نما، اصحاب گفتند: معنی یاری کردن مظلوم را دانستیم، ولی ظالم را چگونه یاری کنیم؟ فرمود: دستش را بگیرد تا نتواند به کسی ستم کند. [۶] خواننده گرامی از آنجا که ما در روزگار تباهی اخلاق و غلبه شهوات و آفات به سر می بریم، مناسب است که در اینجاسیمای صمیمی پیامبران الهی را عموماً و چهره تابناک حقیقت انسانی محمد پیامبر اسلام را خصوصاً در تابلوی تاریخی مستند و شکوهمندی بیابیم که به حق در عصر ما برترین تصویر انسانی نزدیک به حقیقت از آن حضرات است. منشور سه بعدی تاریخ، سه چهره را

نشان می دهد: قیصران، فیلسوفان و پیامبران. پیامبران (سیمایی دوست داشتنی دارند، در رفتارشان صداقت و صمیمیت بیشتر از ابهت و قدرت پیدا است، از پیشانی‌شان پرتو مرموزی که چشمها را خیره می دارد ساطع است، پرتویی که همچون «لبخند سپیده دم» محسوس است اما همچون راز غیب مجهول، ساده ترین نگاهها آن را به سادگی می بینند اما پیچیده ترین نبوغها به دشواری می توانند یافت. روحهایی که در برابر زیبایی و معنا و راز حساسند، گرما و روشنائی و رمز شگفت آن را همچون گرمای یک «عشق» برق یک «امید» و لطیفه پیدا و پنهان زیبایی حس می کنند و آن را در پرتو مرموز سیمایشان، راز پرجذبه نگاهشان و طنین دامنگستر آوایشان، عطر مستی بخش اندیشه شان، راه رفتنشان، نشستنشان، سخنشان، سکوتشان و زندگی کردنشان می بینند، می یابند و لمس می کنند. و به روانی و شگفتی، «الهام» در درونشان جریان می یابد و از آن پر، سرشار و لبریز می شوند. و این است که هرگاه بر بلندی قله تاریخ برآیم انسانها را همیشه و همه جا در پی این چهره های ساده اما شگفت می بینیم که «عاشقانه چشم به آنان دوخته اند»، [۷] ابراهیم، نوح، موسی و عیسی، پیامبران بزرگ تاریخ این چنین بوده اند، اما محمد (ص) که خاتم الانبیاست چگونه است؟ «در برابر کسانی که با وی به مشاجره برمی خاستند وی تنها به خواندن آیاتی از قرآن اکتفا می کرد و یا عقیده خویش را با سبکی ساده و طبیعی بیان می کرد و به جدل نمی پرداخت. زندگی اش، پارسایان و زاهدان را به یاد می آورد. گرسنگی را

بسیار دوست می داشت و شکیباییش را بر آن میآزمود. گاه خود را چندان گرسنه می داشت که بر شکمش سنگ می بست تا آزار آن را اندکی تخفیف دهد. در برابر کسانی که او را میآزردند چنان گذشت می کرد و بدی را به مهر پاسخ می داد که آنان را شرمنده می ساخت. هر روز از کنار کوچه ای که می گذشت، یهودییی طشت خاکستری گرم از بام خانه بر سرش می ریخت و او بی آنکه خشمگین شود، به آرامی رد می شد و گوشه ای می ایستاد و پس از پاک کردن سرو رو و لباسش به راه می افتاد. روز دیگر با آنکه می دانست باز این کار تکرار خواهد شد مسیر خود را عوض نمی کرد. یک روز که از آنجا می گذشت با کمال تعجب از طشت خاکستر خبری نشد محمد با لبخند بزرگوارانه ای گفت: رفیق ما امروز به سراغ ما نیامد گفتند: بیمار است. گفت: باید به عیادتش رفت. بیمار در چهره محمد که به عیادتش آمده بود چنان صمیمیت و محبت صادقانه ای احساس کرد که گویی سالها است با وی سابقه دیرین دوستی و آشنایی دارد. مرد یهودی در برابر چنین چشمه زلال جوشانی از صفا و مهربانی و خیر، یکباره احساس کرد که روحش شسته شد و لکه های شوم بد پسندی و آزارپرستی و میل به کجی و خیانت از ضمیرش پاک گردید. چنان متواضع بود که عرب خودخواه و مغرور و متکبر را به اعجاب وامی داشت. زندگی اش، رفتارش و خصوصیات اخلاقی اش محبت، قدرت، خلوص، استقامت و بلندی اندیشه و زیبایی روح

را الهام می داد. سادگی رفتارش و نرمخویی و فروتنی اش از صلابت شخصیت و جذبه معنویتش نمی کاست. هر دلی در برابرش به خضوع می نشست و هر غروری از شکستن در پای عظمت زیبا و خوب او سیراب می شد. در هر جمعی برتری او بر همه نمایان بود.» [۸].

صفات و ویژگیهای پیامبر اکرم

از آشکارترین صفات رسول خدا (ص) این بود که غرور پیروزی او را نمی گرفت، چنان که در بازگشت از نبرد بدر و فتح مکه نشان داد، و نیز از شکست نا امید نمی شد، همان طور که شکست احد بر وی تاثیر نداشت، بلکه پس از آن به سرعت برای جنگ «حمرء الاسد» آماده شد و نیز نقض پیمان بنی قریظه و پیوستن آنان به سپاه احزاب بر روحیه او تاثیر نگذاشت، بلکه او را ثابت قدم گردانید. از صفات دیگر او احتیاط و پرهیز بود که نیروی دشمن را بدین وسیله ارزیابی کرده، برای مقابله با او به تهیه ابزار و تجهیزات دست می زد. حتی هنگام اقامه نماز نیز احتیاط را از دست نمی داد، بلکه مراقب و هوشیار بود. صفت دیگر او نرمی و همراه با صلابت بود که در شرایط متغیر جنگی از آن برخوردار بود و به سبب سرعت تغییر این شرایط دستورها و احکام جدیدی صادر می کرد. سرعت در فرماندهی نزد او، برای مقابله با مسائل جدی، شرطی اساسی بود و به تمرکز فرماندهی، توجه و تاءکید فراوان داشت. با یاران و قوم خود رفتاری مبتنی بر جذب و اصلاح داشت و روح اعتماد و آرامش را در میان آنها تقویت می کرد. به کوچک رحم می کرد، بزرگ را گرامی می

داشت، یتیم را خشنود کرده و پناه می داد، به فقیران و مسکینان نیکی و احسان می کرد، حتی به حیوانات هم ترحم می نمود و از آزار آنها نهی می کرد. از مهمترین نمونه های انسانیت رسول خدا (ص) این بود که آن حضرت نیروهایی را که برای سرایا و جنگ با دشمن اعزام می کرد به دوستی و مدارا با مردم و عدم یورش و شیخون علیه ایشان وصیت و سفارش می فرمود. او بیشتر دوست داشت دشمن را به سوی صلح منقاد کند، نه این که مردان ایشان را بکشد. آن حضرت سفارش می کرد تا پیر مردان کودکان و زنان را نکشند و بدن مقتول را شکنجه و مثله نکنند. وقتی قریش به او پناه آوردند، محاصره اقتصادی آنان را لغو با تقاضای ایشان، برای تهیه گندم، از یمن، موافقت فرمود. او به صلح کامل در جهان دعوت می کرد و از جنگ، جز به هنگام ضرورت و ناچاری، پرهیز داشت. نامه هایی که به سوی پادشاهان می فرستاد به سلام و صلح، آراسته و مزین بود و آن را برای آغاز کلام در دیدار بین فرزندان آدم قرار داده بود. پیامبر اکرم (ص) در جنگها بیش از یک فرمانده تعیین می کرد، ضوابطی دقیق برای فرماندهی لشکر و تقویت آن قرار می داد و بین اصول سیاسی و نظامی ارتباط برقرار می ساخت و اطاعت از فرماندهان را رمزی برای انضباط، انقیاد و فرمانبرداری می دانست. او برنامه ریزی جدی، سازماندهی نمونه و فرماندهی برتر را بنیاد گذاشت، و فرماندهی لشکر را بر اساس شایستگی و شناخت برگزید. لشکر را به طور یکسان در فرماندهی خود جمع

کرد و از آنچه که در وسع و توانایی رزمندگان بود بیشتر به آنان می بخشید. [۹].

تلاش برای تحقق انسانیت

وجود رسول خدا (ص) برای همه مردم مایه رحمت بود و هیچ کس را به سبب رنگ و جنس از شمول آن مستثنی نمی کرد. همه مردم نزد او روزی خور خداوند بودند. آن حضرت به این رهنمودها دعوت می کرد: ۱. رشد و اعتلای انسانیت می فرمود: «همه مردم از آدم هستند و آدم نیز از خاک است.» ۲. صلح و سلامتی قبل از جنگ. ۳. گذشت و بخشش قبل از مجازات. ۴. آسان گیری و گذشت قبل از مجازات. از این رو، مشاهده می کنیم که جنگهای او همگی برای اهداف والای انسانی بوده و به منظور تحقق انسانیت انجام می شده است. آن حضرت به نیکی و احسان به مردم و دوستی و مدارا با آنان فرمان می داد. او نمونه ای کامل از رحمت را در فتح مکه نشان داد که با وجود پیروزی بر دشمنان با ایشان برخوردی نیکو کرد، با توجه به این که می توانست از همه آنان انتقام گیرد، ولی آنان را بخشید و فرمود: بروید شما آزاد هستید، در جنگ «ذات الرقاع» به «غوث بن الحارث» که برای قتل آن حضرت می کوشید دست یافت، ولی از او گذشت و او را آزاد کرد. پیامبر با اسیران با مدارا و رحمت برخورد می کرد، بر بسیاری از آنان منت می گذاشت و آزادشان می ساخت و لشکریان را به آنان سفارش می کرد از جمله در یکی از جنگها، با دست خود، دست اسیری را که صدای ناله او را شنید باز کرد. [۱۰].

اخلاق فرماندهی رسول اکرم

به اخلاقی آراسته بود که خداوند او را چنین می ستاید: «وانك لعلى خلق عظیم». [۱۱] موصوف بودن به این اخلاق، از او یک

فرمانده موفق ساخته بود که می توانست او را به مقصود رسانده و در بسیاری از جنگها پیروزی را برای او به ارمغان آورد. آن حضرت به تمامی مردم مهربان بود و در همه شرایط با لشکریان و مردم خود مدارا می کرد، راستگویی امین، وفادار به عهد و پیمان خود بود، هنگام غضب خشم خود را فرو می برد و هنگام قدرت از مجازات چشم پوشیده و می گذشت. او بین مردم «صلح و دوستی» برقرار می ساخت و از آنان کینه، دشمنی و فتنه را دور می کرد و هر کسی را در جایگاه خود قرار می داد. برجسته ترین صفات عقلی آن حضرت عبارت بود از: تدبیر، تفکر و دوراندیشی. این صفات در عملکردهای او کاملاً نمایان است. با تفکر و اندیشه در مورد وضع قوم او می توان فهمید که رسول خدا (ص) عاقلترین مردم جهان بوده است؛ زیرا قومی را به رغم خشونت و تندی اخلاق و فخر فروشی و سخت خوئی ای که داشتند چنان تربیت و رهبری کرد که، با همه این اوصاف، از حامیان جدی او گشتند و همراه با او پرچم اسلام را برافراشتند و به جهاد برخاستند. رسول خدا (ص) روشهای جدیدی را در جنگ، حکومت، مدیریت، سیاست، اقتصاد و مسائل اجتماعی به وجود آورد. در جنگ احزاب به کندن خندق پرداخت، در غزوه حدیبیه با قریش مذاکره کرد و با انعقاد پیمانی به نتایج عملی آن، که بعدها نمایان شد، دست یافت و به همین گونه در هر میدان جنگی به ابتکاری جدید دست می زد که او را در پیروزی بر دشمن یاری می کرد و آنان را از

اقدامات و تاکتیکهای خود در بهت و سرگردانی فرو می برد. [۱۲]. رسول اکرم (ص) موفق گردید حاکمیتی از هر جهت باشکوه و محترم بر پا دارد تا همه مردم از زعامت و رهبری او بهره مند گشته و به او امر او، پس از رهایی از طاعت رهبران مختلف، گردن نهند. دعوت رسول خدا (ص) به اسلام، مبتنی بر صلح و سلامت بود و جنگ را جز هنگامی که قساوت و دشمنی و سختگیری آنان بر مسلمانان زیاد شد، مورد توجه قرار نمی داد. در حقیقت، برای دفع زور، به زوری متوسل می شد. از این رو، جنگهای او از آغاز بر اساسی ثابت و استوار قرار داشت که لشکر اسلامی از آن غفلت نمی کرد، از جمله: دعوت مردم به دین جدید، انعقاد پیمان صلح و پرداخت جزیه یا فتح سرزمین آنان، و نبرد با کسانی که با او دشمنی کنند. [۱۳].

نظافت

رسول اکرم (ص) به پاکیزگی علاقه فراوان داشت و در نظافت بدن و لباس بی نظیر بود. علاوه بر آداب وضو، اغلب روزها خود را شستشو می داد و این هر دو را از عبادات می دانست. مویش را با برگ سدر می شست و شانه می کرد و خود را با مشک و عنبر خوشبو می نمود. روزانه چند بار، مخصوصاً شبها پیش از خواب و پس از بیداری دندانهایش را با دقت مسواک می کرد. جامه سفیدش که تا نصف ساقهایش را می پوشانید همیشه تمیز بود. پیش از صرف غذا و بعد از آن دست و دهانش را می شست و از خوردن سبزیهای بد بو پرهیز می نمود. شانه عاج و سرمه

دان و قیچی و آینه و مسواک، جزء اسباب مسافرتش بود. خانه اش با همه سادگی و بی تجملی همیشه پاکیزه بود. تاکید می نمود که زباله ها را به هنگام روز بیرون ببرند و تا شب به جای خود نماند. نظافت تن و اندامش با قدس طهارت روحش هماهنگی داشت و به یاران و پیروان خود تاکید می نمود که سر و صورت و جامه و خانه هایشان را تمیز نگهدارند و وادارشان می کرد خود را، به ویژه در روزهای جمعه، شستشو داده و معطر سازند که بوی بد از آنها استشمام نشود و آن گاه در نماز جمعه حضور یابند.

آداب معاشرت

در میان جمع، بشاش و گشاده رو و در تنهایی، سیمایی معزون و متفکر داشت. هرگز به روی کسی خیره نگاه نمی کرد و بیشتر اوقات چشمهایش را به زمین می دوخت. اغلب دو زانو می نشست و پای خود را جلوی هیچ کس دراز نمی کرد. در سلام کردن به همه، حتی بردگان و کودکان، پیشدستی می کرد و هرگاه به مجلسی وارد می شد نزدیکترین جای را اختیار می نمود. اجازه نمی داد کسی جلوی پایش بایستد یا جا برایش خالی کند. سخن همنشین خود را قطع نمی کرد و با او طوری رفتار می کرد که تصور می شد هیچ کس نزد رسول خدا از او گرمی تر نیست. بیش از حد لزوم سخن نمی گفت، آرام و شمرده سخن می گفت و هیچ گاه زبانش را به دشنام و ناسزا آلوده نمی ساخت. در حیا و شرم حضور، بی مانند بود. هرگاه از رفتار کسی آزرده می گشت ناراحتی در سیمایش نمایان می شد، ولی کلمه گلّه و اعتراض بر

زبان نمی‌آورد. از بیماران عیادت می‌نمود و در تشییع جنازه حضور می‌یافت. جز در مقام دادخواهی، اجازه نمی‌داد کسی در حضور او علیه دیگری سخن بگوید و یا به کسی دشنام بدهد و یا بدگویی نماید.

بخشایش و گذشت

بد رفتاری و بی‌حرمتی به شخص خور را با نظر اغماض می‌نگریست، کینه کسی را در دل نگاه نمی‌داشت و در صدد انتقام بر نمی‌آمد. روح نیرومندش عفو و بخشایش را بر انتقام ترجیح می‌داد. در جنگ احد با آن همه وحشیگری و اهانت که به جنازه عمویش حمزه بن عبدالمطلب روا داشته بودند و از مشاهده آن به شدت متالم بود دست به عمل متقابل با کشتگان قریش نزد و بعدها که به مرتکبین آن و از آن جمله هند زن ابوسفیان دست یافت، در مقام انتقام برنیامد، و حتی ابوقتاده انصاری را که می‌خواست زبان به دشنام آنها بگشاید از بدگویی منع کرد پس از فتح خیبر جمعی از یهودیان که تسلیم شده بودند، غذایی مسموم برایش فرستادند. او از سوء قصد و توطئه آنها آگاه شد، اما به حال خودرهاشان کرد. بار دیگر زنی از یهود دست به چنین عملی زد و خواست زهر در کامش کند که او را نیز عفو نمود. عبدالله بن ابی‌سره دسته منافقان که با ادای کلمه شهادت مصونیت یافته بود، در باطن امر از این که با هجرت رسول اکرم (ص) به مدینه بساط ریاست او بر چیده شده بود، عداوت آن حضرت را در دل می‌پرورانید و ضمن همکاری با یهودیان مخالف اسلام، از کارشکنی و کینه توزی و شایعه

سازی بر ضد او فرو گذار نبود آن حضرت نه تنها اجازه نمی داد یارانش را به سزای عملش برسانند، بلکه با کمال مدارا با او رفتار می کرد و در حال بیماری به عیادتش می رفت در مراجعت از غزوه تبوک جمعی از منافقان به قصد جانش توطئه کردند که به هنگام عبور از گردنه، مرکبش را رم دهند تا در پرتگاه، سقوط کند و با این که همگی صورت خود را پوشانده بودند، آنها را شناخت و با همه اصرار یارانش، اسم آنها را فاش نساخت و از مجازاتشان صرف نظر کرد. [۱۴].

حریم قانون

آن حضرت از بدرفتاری و آزاری که به شخص خودش می شد عفو و اغماض می نمود ولی در مورد اشخاصی که به حریم قانون تجاوز می کردند مطلقاً گذشت نمی کرد و در اجرای عدالت و مجازات متخلف، هر که بود، مسامحه روا نمی داشت. زیرا قانون عدل، سایه امنیت اجتماعی و حافظ کیان جامعه است و نمی شود آن را بازیچه دست افراد هوسران قرار داد و جامعه را فدای فرد نمود در فتح مکه، زنی از قبیله بنی مخزوم مرتکب سرقت شد و از نظر قضایی جرمش محرز گردید. خویشاوندانش که هنوز رسوبات نظام طبقاتی در خلایای مغزشان به جای مانده بود اجرای مجازات را ننگ خانواده اشرافی خود می دانستند، به تکاپو افتادند که مجازات را متوقف سازند اما آن حضرت نپذیرفت و فرمود: «اقوام و ملل پیشین دچار سقوط و انقراض شدند، بدین سبب که در اجرای قانون عدالت، تبعیض روا می داشتند، قسم به خدایی که جانم در قبضه قدرت اوست در اجرای عدل درباره هیچ کس سستی

نمی‌کنم، اگر چه مجرم از نزدیکترین خویشاوندان خودم باشد.» او خود را مستثنی نمی‌کرد و فوق قانون نمی‌شمرد. روزی به مسجد رفت و در ضمن خطابه فرمود: «خداوند سوگند یاد کرده است در روز جزا از ظلم هیچ ظالمی نگذرد، اگر به کسی از شما ستمی از جانب من رفته و از این رهگذر حقی بر ذمه من دارد من حاضریم به قصاص و عمل تقابل تن بدهم.» از میان مردم شخصی به نام سواده بن قیس به پاخواست و گفت: یا رسول الله روزی که از طائف بر می‌گشتی و عصارا در دست خود حرکت می‌دادی به شکم من خورد و مرا رنجه ساخت. فرمود: «حاشا که به عمد این کار را نکرده باشم معهدا به حکم قصاص تسلیم می‌شوم) فرمان داد همان عصا را بیاورند و به دست سواده داد و فرمود: «هرعضوی که از بدن تو با این عصا ضربت خورده است به همان قسمت از بدن من بزن و حق خود را در همین نشئه دنیا از من بستان.» سواده گفت: نه، من شما را می‌بخشم. فرمود: «خدا نیز بر تو ببخشد.» آری چنین بود رفتار یک رئیس و زمامدار تام‌الاختیار دین و دولت در اجرای عدل اجتماعی و حمایت از قانون. [۱۵].

احترام به افکار عمومی

رسول خدا (ص) در موضوعاتی که به وسیله وحی و نص قرآن، حکم آن معین شده بود اعم از عبادت و معاملات، چه برای خود و دیگران، حق مداخله قائل نبود و این دسته از احکام را بدون چون و چرا به اجرا در می‌آورد؛ زیرا تخلف از آن احکام، کفر

به خداست: «ومن لم يحکم بما انزل الله فاولئك هم الکافرون»؛ [۱۶]. (و کسانی که به آنچه خدا فرو فرستاده داوری نکرده اند، آنان خود کفر پیشه گانند) اما در موضوعات مربوط به کار و زندگی، اگر جنبه فردی داشت و در عین حال یک امر مباح و مشروع بود، افراد، استقلال رای و آزادی عمل داشتند. کسی حق مداخله در کارها خصوصی دیگری را نداشت، و هرگاه مربوط به جامعه بود حق اظهار رای را برای همه محفوظ می دانست و با این که فکر سیال و هوش سرشارش در تشخیص مصالح امور بر همگان برتری داشت، هرگز به تحکم و استبداد رای رفتار نمی کرد و به افکار مردم بی اعتنایی نمی نمود. نظر مشورتی دیگران را مورد مطالعه و توجه قرار می داد و دستور قرآن مجید را عملاً تایید نموده و می خواست مسلمین این سنت را نصب العین خود قرار دهند. در جنگ بدر در سه مرحله، اصحاب خود را به مشاوره دعوت نموده فرمود نظر خودتان را ابراز کنید. اول درباره این که اصلاً با قریش بجنگند و یا آنها را به حال خود ترک کرده و به مدینه مراجعت کنند. همگی جنگ را ترجیح دادند و آن حضرت تصویب فرمود. دوم محل اردوگاه را به معرض مشورت گذارد که نظر حباب بن منذر مورد تایید واقع شد. سوم در خصوص این که با امرای جنگ چه رفتاری شود به شور پرداخت. بعضی کشتن آنها را ترجیح دادند و برخی تصویب نمودند آنها را در مقابل فدیة آزاد نمایند و رسول اکرم (ص) با گروه دوم موافقت کرد. در جنگ احد روش مبارزه را در معرض شور

قرار داد که آیادر داخل شهر بمانند و به استحکامات دفاعی بپردازند و یا در بیرون شهر اردو بزنند و جلوی هجوم دشمن را بگیرند، که شق دوم تصویب شد. در جنگ احزاب، شورایی تشکیل داد که درخارج مدینه آرایش جنگی بگیرند و یا در داخل شهر به دفاع بپردازند. پس از تبادل نظر بر این شدند که کوه سلع را تکیه گاه قرار داده و در پیشاپیش جبهه جنگ، خندق حفر کنند مانع هجوم دشمن گردند. در غزوه تبوک امپراطور روم از نزدیک شدن مجاهدان اسلام به سر حد سوریه به هراس افتاده بود و چون به لشکر خود اعتماد نداشت به جنگ اقدام نکرد. رسول خدا (ص) به مشورت پرداخت که آیا پیشروی کند یا به مدینه برگردند که بنا به پیشنهاد اصحاب مراجعت را ترجیح داد. [۱۷]. چنان که می دانیم همه مسلمانان به عصمت و مصونیت او از خطا و گناه، ایمان داشتند و عمل او را سزوار اعتراض نمی دانستند، ولی درعین حال، رسول اکرم (ص) انتقاد اشخاص را اگر چه انتقادی مورد با سعه صدر تلقی می نمود و مردم را در تنگنای خفقان و اختناق نمی گذاشت و با کمال ملایمت با جواب قانع کننده، انتقاد کننده را به اشتباه خود واقف می کرد. او به این اصل طبیعی اذعان داشت که آفریدگار مهربان، وسیله فکر کردن و سنجیدن و انتقاد را به همه انسانها عنایت کرده و آن را مختص به صاحبان نفوذ و قدرت ننموده است. پس چگونه می توان حق سخن گفتن و خرده گرفتن را از مردم سلب نمود آن حضرت به ویژه دستور فرموده است که هرگاه زمامداران، کاری بر

خلاف قانون عدل مرتکب شدند، مردم در مقام انکار و اعتراض برآیند. رسول اکرم (ص) به لشکری از مسلمانان ماموریت جنگی داد و شخصی را از انصار به فرماندهی آنها نصب کرد فرمانده در میان راه بر سر موضعی بر آنها خشمگین شد و دستور دار هیزم فراوانی جمع کنند و آتش بیفروزند. همین که آتش برافروخته شد گفت: آیا رسول خدا به شما تاکید نکرده است که از اوامر من اطاعت کنید؟ گفتند: بلی. گفت: فرمان می دهم خود را در آن آتش بیندازید. آنها امتناع کردند. رسول اکرم (ص) از این ماجرا مستحضر شد فرمود: «اگر اطاعت می کردند برای همیشه در آتش می سوختند اطاعت در موردی است که زمامداران مطابق قانون دستوری بدهند.» [۱۸]. در غزوه حنین که سهمی از غنائم را به اقتضای مصلحت به نو مسلمانان اختصاص داد، سعد بن عباد و جمعی از انصار که از پیشقدمان و مجاهدان بودند زبان به اعتراض گشودند که چرا آنها را بر ما ترجیح دادی؟ فرمود: همگی معترضین در یک جا گرد آیند، آن گاه به سخن پرداخت و با بیانی شیوا و دلنشین آنها را به موجبات کار، آگاه نمود. به طوری که همگی به گریه افتادند و پوزش خواستند. همچنین در این واقعه، مردی از قبیله بنی تمیم به نام حرقوص (که بعدها از سردمداران خوارج نهروان شد) اعتراض کرده با لحن تشدد گفت: به عدالت رفتار کن عمر بن خطاب از گستاخی او برآشت و گفت: اجازه بدهید هم اکنون گردنش را بزنم فرمود: نه او را به حال خودش بگذار و رو به سوی او کرده و با خونسردی فرمود: «اگر من

به عدالت رفتار نکنم چه کسی رفتار خواهد کرد؟» در صلح حدیبیه عمر بن خطاب در خصوص معاهده آن حضرت با قریش انتقاد می نمود که چرا با شرایط غیر متساوی پیمان می بندد؟ رسول اکرم با منطق و دلیل نه با خشونت، او را قانع کرد. [۱۹]

رسول اکرم (ص) با این روش خود عدل و رحمت را به هم آمیخته بود و راه و رسم حکومت را به فرمانروایان دنیا میآموخت تا بدانند که منزلت آنها در جوامع بشری مقام و مرتبه پدر مهربان و خردمند است نه مرتبه مالک الرقابی، او می باید همه جا صلاح امر زیر دستان را در نظر بگیرند نه اینکه هوسهای خودشان را بر آنها تحمیل نمایند. می فرمود: «من به رعایت مصلحت مردم از خود آنها نسبت به خودشان اولی و شایسته ترم و قرآن کریم مقام و منزلت مرا معرفی کرده است النبی اولی بالمومنین من انفسهم [۲۰] پس هر کس از شما از دنیا برود چنانچه مالی از خود بجا گذاشته متعلق به ورثه اوست و هرگاه وامی داشته باشد و یا خانواده مستمند و بی پناهی از او بازمانده باشد دین او بر ذمه من و سرپرستی و کفالت خانواده اش بر عهده من است» [۲۱]. آری این است سیمای صمیمی و چهره تابناک پیامبر بزرگوار اسلام، و چنین است سیره عملی آنحضرت. او کسی است که اخلاق انسانی و ملکات عالیه را در زمانی کوتاه آن چنان در دل مسلمین گسترش داد که از هیچ، همه چیز را ساخت، او با رفتار و کردارش گردنکشان عرب را به تواضع و زورگویان را به رافت، و تفرقه افکنان را به یگانگی، و کافران را

به

ایمان، و بت پرستان را به توحید، و بی پروایان را به پاکدامنی، و کینه توزان را به بخشایش، و بیکاران را به کار و کوشش، و درشتگویان را درشتخویان را به نرمخویی، و بخیلان را به ایثار و سخاوت، و سفیهان را به عقل و درایت، رهنمون و آنان را از جهل و ضلالت به سوی علم و هدایت رهبری فرمود. [۲۲] صلوات الله و سلامه علیه و علی آله اجمعین.

پاورقی

[۱] گوشه ای از اخلاق محمد. مقاله آیت الله سید ابوالفضل مجتهد زنجانی در کتاب محمد خاتم پیامبران، ج ۱، ص ۳۷۲.

[۲] سوره شعراء آیه ۲۱۴.

[۳] سوره قلم، آیه ۴.

[۴] سوره قلم، آیه ۴.

[۵] سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

[۶] محمد خاتم پیامبران ج ۱، ح ۳۷۶.

[۷] اسلام شناسی (دانشگاه مشهد) ۵۶۲ ۵۶۳.

[۸] همان. ۵۴۵ ۵۵۷.

[۹] مدیریت نظامی در نبردهای پیامبر اسلام، ص ۱۰۸ ۱۱۳.

[۱۰] پیشین، ص ۳۴.

[۱۱] سوره قلم، آیه ۴. یعنی «به راستی که تو دارای اخلاقی بزرگ و ارزشمند هستی.».

[۱۲] پیشین ص ۷۷.

[۱۳] پیشین، ص ۲۷۵.

[۱۴] محمد خاتم پیامبران، ج ۱، ص ۳۴۸ ۳۸۶، به نقل از صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۵۲.

[۱۵] همان.

[۱۶] سوره مائده. آیه ۴۴.

[۱۷] همان.

[۱۸] همان.

[۱۹] همان.

[۲۰] سوره احزاب آیه ۷.

[۲۱] همان.

[۲۲] برای آگاهی بیشتر از سیره و اخلاق پیامبر اکرم (ص) به مقاله ارزنده و پرمحتوای مرحوم آیت الله حاج سید ابوالفضل مجتهد زنجانی تحت عنوان (گوشه ای از اخلاق محمد) در کتاب محمد خاتم انبیا ج اول مراجعه شود.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

